مقایسه تطبیقی مقدسات و جرم اهانت به آن در اسلام و یهود(بر اساس عهد عتیق و آیات و روایات اسلامی)

چکیده

دین اسلام و یهود هر دو دارای شریعت منسجم هستند و شباهت های بسیاری می توان میان این دو دین یافت.در دین مبین اسلام هر گونه اهانت و هتک حرمتی محکوم و جرم است مخصوصاً اهانت به ادیان و پیامبران الهی و هر کس مرتکب چنین عمل قبیحی شود، بی‌شک مجازات آن را خواهد دید و این وعده تخلف‌ناپذیر الهی است. در دین یهود نیز هر گونه اهانت به مقدسات به شدیدترین وجه ممکن محکوم شده است. این تحقیق در پی آن است که به این پرسش پاسخ دهد که مصادیق مقدسات در اسلام و یهود کدام است و مجازات جرم اهانت به مقدسات در حقوق اسلام و یهود چیست؟ مقدسات در اسلام عبارت است از قرآن و پیامبر و کعبه و .. و در دین یهود عبارت است از یهوه، قدس الاقداس، پیامبران، کاهنان و..بر اساس احکام قضایی یهود، اهانت‌کننده به مقدسات به شدید ترین مجازات محکوم می گردد که این مجازات ها عبارتند از سنگسار ،سوزاندن ، گردن زدن با شمشیر وخفه‌کردن ، در دین اسلام نیز اهانت کننده به مقدسات به مجازات های مختلفی مجازات می گردد که شدید ترین آن قتل مرتد است. ضرورت این تحقیق زمانی آشکارتر می گردد که اکثر توهین ها به مقدسات در دنیای معاصر از سوی کسانی صورت می گیرد که مدعی پیروی از شریعت یهود هستند،. تحقیق حاضر توصیفی تحلیلی و به روش کتابخانه ای و جمع آوری و تجزیه و تحلیل داده هاست .

کلید واژه ها : مقدسات، اهانت، اسلام، یهود، عهد عتیق.

بیان مسأله

در تمام ادیان بعضی از امور به عنوان مقدسات مورد پذیرش تمام پیروان آن شریعت بوده و برای آنها، مورد احترام خاص بوده است؛ از این رو هر گونه اهانت به این امور چه عرفاً و چه قانوناً محکوم بوده و حتی جرم تلقی می شده است و لذا هیچ گونه اهانتی را به آنها بر نمی تافته اند. لذا تعیین مجازات برای اهانت به مقدسات، صرفاً از مختصات دین اسلام نمی باشد، بلکه در سایر ادیان نیز این امر پیش بینی شده است.

در دو دین بزرگ آسمانی و ابراهیمی اسلام و یهود نیز بعضی از امور مقدس دانسته می شود و هر گونه اهانت به آن جرم تلقی شده و محکوم است. در این تحقیق بر آنیم که این مفاهیم مقدس را در این دو دین به صورت تطبیقی استخراج و مجازات اهانت به آنها را از دیدگاه این دو دین آسمانی بررسی نماییم.

**مقدمه**

با اینکه به نظر می رسد خصوصیت عصر ارتباطات و رسانه های جمعی فراگیر، تعامل آرا و برگزیدن قول منطقی تر و دین عقلانی تر با توجه به حاکمیت عقل و وجدان در وجود انسانهاست، اما از آنجا که قدرت و سرمایه در دست استعمارگران و بیمار دلان جهان است که با استعمار و غارت دیگران به قدرت و سرمایه جهانی دست یافته اند،با شعارهای فریبنده ای مانند حقوق بشر و آزادی گاه شاهد توهین به مقدسات مسلم ادیان بزرگی هستیم که میلیونها پیرو دارند. دین اسلام که مزیت آخرین و کاملترین دین توحیدی را داراست، از آنجاکه محاسن بسیاری با محک عقل و وجدان بر سایر ایدئولوژی ها و حتی ادیان دارد و از آنجا که حاکمیت و قدرت آن، ضعف فرعون های زمان را به دنبال دارد بیش از سایر ادیان مورد هجمه همه جانبه دشمن است و یکی از این هجمه ها اهانت به مقدسات اسلامی در قالب ساخت فیلمهای هالیوودی، انیمیشن، توهین در نشریات و ... تحت رهبری و با بودجه دشمن آشکار اسلام و تشیع یعنی صهیونیسم صورت می گیرد و صهیونیسم خود را یهودی معرفی کرده و مدعی احیای دین یهود است، بررسی دیدگاه دین یهود در مسأله اهانت به مقدسات اعم از مقدسات دین یهود یا سایر ادیان شایسته بررسی و دقت نظر است.

مسلماً نشان دادن برخورد انفعالی و سکوت دشمنان را بر انجام این عمل شنیع، وقیح تر می کند یکی از راه های مقابله با این پدیده شوم انجام پژوهش در این زمینه است تا شاید وجدان انسان معاصر بیدار شود و در مقابل چنین اعمالی واکنش مناسب نشان دهد تا هیچ کس جرأت نکند مقدسات دیگران مخصوصاً دینهای برحق و الهی را مورد هتک حرمت قرار دهد.

مسأله دیگری که ضرورت انجام چنین تحقیق هایی را دو چندان می کند نیاز دنیای معاصر به تعامل و گفتگوی میان ادیان در جهت کم کردن فاصله های میان ادیان؛ تألیف قلوب پیروان آنها است چنانکه قرآن کریم ما را به وحدت با اهل کتاب با تمسک به مشترکات فرا می خواند: " (قل یَا أَهْلَ الْکِتَابِ تَعَالَوْاْ إِلَى کَلَمَةٍ سَوَاء بَیْنَنَا وَ بَیْنَکُمْ أَلاَّ نَعْبُدَ إِلاَّ اللّهَ وَلاَ نُشْرِکَ بِهِ شَیْئًا )(سبا:28) : «ای اهل کتاب بیایید به آنچه در بین ما مشترک است رو آوریم و فقط خدا را بپرستیم و هیچ چیز را شریک خدا ندانیم.» و در نهایت مد نظر قرار دادن هدف مهم یکسو نمودن حرکت انسانها به سوی سعادت است.

مفاهیم

قبل از ورود به بحث ابتدا لازم است واژگان کلیدی تعریف گردد. یکی از واژگان به کار رفته در این تحقیق مقدسات است که جمع«مقدسه» که تأنیث لفظ«مقدس» است و در فرهنگ های لغت به «پاک، پاکیزه و منزه»،(زراعت1382،ج2،500)،« طهارت، برکت»(شرتونی1403،ج2،972)،« آنچه از نظر دینی مورد توجه و تقدیس قرار گیرد»،(معین1377،ج4،972) تعریف شده است. در لغت عرب به معنای «طهارت و پاکی» است.(راغب اصفهانی911:1383) و(زبیدی1385،ج4،213). برای مثال ابن منظور در لسان العرب چنین می نگارد:« قدس یعنی طهارت و قدوس یعنی طاهر و منزه از عیوب و نقائص و تقدیس به معنای تطهیر و برکت دارشدن است، بیت المقدس یعنی خانه مطهر و مکانی که به وسیله آن می توان از گناهان پاک شد و قدس یعنی برکت و روح القدس جبرئیل است به معنای روح الطهاره یعنی ازپاکی و طهارت خلق شده است.»(ابن منظور، بی تا،ج9،168) فیروزآبادی نیز در همین زمینه چنین می نویسد:« قدس به معنای پاکی و پاک شدن آمده است و قدوس از اسماء خداوند می باشد یعنی پاک کننده، و تقدیس به معنای پاک نمودن است.»(فیروز آبادی،1426،ج 2،348)

بنابراین کلمه قداست در لغت به معنای طهارت است، طهارت از عیب و نقص و پلیدی. و بیشتر به طهارت معنوی نظر دارد تا پاکیزگی جسمانی، ولی طهارت در هر دو معنا به کار می رود.

مفهوم دیگری که در عنوان مقاله ذکر شده و لازم است به تعریف آن بپردازیم واژه اهانت است.در فرهنگ لغت های مختلف برای واژه«اهانت» معانی«خوار کردن»(راغب اصفهانی،548:1383)، «ذلیل شمردن»(دهخدا،1389،ج3،3653) ،«کوچک نمودن»(معین،1377،ج1،408)،«پست کردن،تحقیر کردن» (عمید،219:1359) ذکر شده است.

در تعریف اصطلاحی اهانت آمده است: «نسبت دادن هر امر وهن آور اعم از دروغ یا راست، به هر وسیله ای که باشد یا انجام هر فعل یا ترک فعلی و در اصطلاح حقوقی توهین جرمی است که در آن فردی با استفاده از گفتار ، نوشتار ، حرکات و ایما و اشاره موجبات تحقیر و هتک حیثیت دیگری را فراهم آورد.معیار تشخیص توهین، عرف است. باید توجه داشت در داوری عرف، زمان و مکان توهین، شخصیت توهین کننده و شخصیت توهین شونده بسیار موثر است.(جعفری لنگرودی،152:1378)

فقهای اسلامی اصطلاحی که به جای اهانت به مقدسات به کار برده اند، واژه«سب» است. سبّ در مفردات به معنای "الشَتْمُ الوَجِیع":ناسزا و دشنام دردناك و زشت» آمده است. (راغب اصفهانی،225:1383) در لغت فارسی نیز"سب" به معنای دشنام دادن، فحش دادن، آمده است. (معین،1377،ج3،1277).

در پژوهش حاضر که محدوده آن، مقدسات دینی است، سعی شده مصادیق مقدسات در شریعت اسلام و یهود مشخص گردد و سپس مجازات جرم مذکور مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

**مقدسات در دین اسلام و یهود**

**مقدس بودن** **خداوند(یهوه) در یهود**

کلیت دین یهود در پرستش و اطاعت خدای یگانه و متعالی به نام "یهوه" خلاصه می گردد. یهودی بودن به معنی شناخت و تعبد است.(کمیجانی،103:1386) «در دین یهود مقدس ترین مقدسات که تمام مقدسات تقدس شان را از ناحیه او دریافت کرده اند، خداوند متعال می باشد. نام خدا در دین اسرائیل یهوه است و اصولاً مفهوم اسرائیل و یهوه پرستی چنان توأم گردیده که به طور معمول یهوه را معرف قوم اسرائیل می دانند.»(آشتیانی،208:1368) یهوه به معنی «او هست» می باشد. به عبارت دیگر یهوه خودش به خود «اه یه» اطلاق می کند یعنی من هستم و دیگران او را یهوه می نامند و خواهند نامید، خدا می گوید من هستم و ما می گوییم او هست.(همان)

در عهد عتیق آمده است:« هیچ کس مثل خداوند مقدس نیست، غیر از او خدایی نیست، مثل خدای ما پناهگاهی نیست.»( اول سموئیل 2:2)در جاهای دیگر عهد عتیق نیز به بنی اسرائیل امر می نماید که مانند خداوند شما هم باید مقدس باشید ( لاویان 12:44) و ( خروج 33:23)

بی احترامی نسبت به خداوند از دیدگاه دین یهود ذاتاً گناهی بزرگ است و مرتکب آن سزاوار سرزنش است.این امر در عهد عتیق امری بدیهی و مسلم است. برای مثال در عهد عتیق می خوانیم:« خداوند قادر متعال به کاهنان می فرماید: پسر، پدر خود را و غلام ارباب خویش را احترام می کند پس اگر من پدر شما هستم احترام من کجاست؟ و اگر من ارباب شما هستم،حرمت من کجاست؟ شما مرا بی حرمت کرده اید.»( تثنیه 26:15) همچنین بی احترامی به خداوند گناه بزرگی است که از ارتکاب دشمن به این گناه، به خداوند شکوه آورده می شود. ( زکریا 1:6) و ( مزامیر 74:7)

مقدس بودن خداوند در دین اسلام

در دین مبین اسلام نیز خداوند متعال مقدس ترین و محور تمام مقدسات است به طوری که تمامی مقدسات درجه مقدس بودنشان نسبت به قربشان به خداوند متعال سنجیده می شود. در قرآن کریم قدوس به عنوان یکی از صفات خداوند ذکر شده است.

اسم"قدوس" یکی از اسماء تنزیهیه خداوند است،اسم"قدوس" از طهارت ذاتی الهی از همه نقائص و نواقص، از همۀ حدود و عدم ها، از همۀ عیب هاو فقدان ها، از همۀ فقرها و حاجت ها، از همۀ زوال ها و فناها، از همه ضعف ها و عجزها، و از همه صفات سلبیه خبر می دهد و منزه بودن او از همه آنها را می رساند. قداست معنوی و ذاتی خدا به مظاهر وجودی اش نیز سرایت کرده از این روست که لمس اسم خداوند به هر زبانی نوشته شود بدون وضو حرام است چون موجب بی احترامی به خداوند می شود. و هر گونه عملی را که موجب تحقیر، سخره، توهین و انکار خداوند شود، ممنوع و باید از آن دوری کرد.

**مقایسه تطبیقی خداوند در اسلام و یهود**

علی رغم اهمیت و جایگاه رفیع خداوند که در هر دو دین اسلام و یهود یکسان است تفاوت هایی میان خدای معرفی شده توسط عهد عتیق و آیات قرآن دیده می شود. در جاهایی از عهد عتیق شاهد جملاتی هستیم که شائبه مادی بودن و قابل دیدن بودن از آنها برمی آید. برای مثال شاهد جملاتی در عهد عتیق هستیم مبنی بر اینکه خداوند در ابر یا در کوه سینا نزول کرد. (؟؟؟)( خروج 21:19) همچنین برای خداوند محل سکونتی در آسمانها قایل است که از آنجا به قوم نظر می افکند.(مزامیر 99:6) و ( مزامیر 68:5) همچنین سکونت گاه های دیگری برای خداوند ذکر شده مثلاً خانه اش:«چه سهمناک است خداوند در خانه مقدس خویش»( مزامیر 48:1)یا کوهی خاص:« خداوند بزرگ است و باید او را در کوه مقدسش در اورشلیم، ستایش کرد.»( تثنیه 26:15)

حال این سؤال مطرح می شود که چرا در دین یهود برای خداوند جایگاه و محل سکونتی خاص مانند صندوق عهد، قدس الاقداس،کوه صهیون و اورشلیم قایل شده است در عین اینکه در بعضی جاهها اذعان شده که خداوند در همه جا هست و در مکان خاصی محصور نیست؟به عقیده برخی قائل شدن جایگاه و سکونت گاه برای خداوند، از باب رعایت حال مخاطب ساده دل آن زمان است که با امور مادی و محسوس انس گرفته و ارتباط برقرار کردن با یک خدا نامحسوس و انتزاعی برایش دشوار است و لذا کتاب مقدس با زبان مردم سخن گفته و در برخی جاهها خدایی که شائبه محسوس بودن از آن بر می آید ارائه نموده است. (آشتیانی،208:1368)

قرآن کریم هر گونه توهم جسمانیت را که خداوند از آن منزه است را از ذهن دور می نماید.(آراسته،459:1380) خداوند می فرماید:« چشم ها او را نمی یابند و اوست که دیدگان را می یابد و او لطیف آگاه است.(انعام:103) قرآن در جای دیگر می فرماید: چیزی مانند او نیست و اوست شنوای بینا.» (شوری:11) این آیه زمینه هر گونه تشبیه خداوند به انسان و موجودات مادی را از بین برده است. (آراسته،459:1380)

امام علی(ع) در این باره می فرماید: «خداوند موجودی نادیدنی است که آفریننده تمام جهان است اما انسان قدرت و ظرفیت تحمل دیدن او را ندارد.و...مردک چشم ها را از مشاهده خود بازداشته است. زمان بر او نمی گذرد تا دچار دگرگونی گردد، و در مکانیقرار ندارد تا پندار جابجایی نسبت به او روا باشد.»(سید رضی،155:1380)

**اماکن مقدس** **در یهود**

در هر دینی بعضی از مکانها به عنوان مکان مقدس شمرده شده و برای معتقدان به آن دین دارای ارزش و احترام خاصی است. در دین یهود نیز بعضی از مکانها مقدس است و آداب خاص خود را دارد و رعایت نکردن این آداب اهانت به مقدسات شمرده می شود.رعایت حرمت این اماکن در عهد عتیق اهمیت فراوان دارد به طوری که یکی از شکوه های خدا از مردم اورشلیم این است که :« اماکن مقدس را خوار می شمارد.»( حزفیال 22:8) مکانهای مقدس ذکر شده در عهد عتیق در ذیل احصا شده است.

**قدس الاقداس**

مهمترین مکان مقدس در عهد عتیق قدس اقداس است. قدس الاقداس خانه خداست که توسط سلیمان(ع) ساخته شده و در یک ملک مقدس بنا شده است در عهد عتیق آمده است:« وقتی زمین میان قبایل اسرائیل تقسیم می شود باید یک قسمت از آن به عنوان ملک مقدس به خداوند وقف گردد باید برای محل سکونت لاویان که در خانه خدا خدمت می کنند اختصاص یابد.» (حزقیال 22:8 )

قداست قدس الاقداس از آن جهت است که محل سکونت خداوند است که توضیح این مطلب در بخش قبل گذشت. در عهد عتیق چنین آمده است:« خدایی که در خانه مقدس خود ساکن است پدر یتیمان و دادرس بیوه زنان می باشد.»( مزامیر 68:5). همچنین تمام متعلقات مربوط به این معبد مورد ستایش پیامبران و مقدس است. در عهد عتیق از زبان داوود نبی می خوانیم: « ای خداوند قادر متعال چه دلپذیر است خانه تو! دلم هوای صحن های تو را کرده است. تمام وجود مشتاق ملاقات توست. ای خدای زنده. ای خداوند قادر متعال که پادشاه من هستی! در کنار قربانگاه های خانه تو، حتی گنجشکها نیز برای خود خانه یافته اند و پرستوها آشیانه ساخته اند تا بچه های خود را در آن بگذارند. خوشا به حال آنانی که در خانه تو ساکنند و پیوسته تو را حمد می گویند.»( مزامیر 84:1)

3. 6. 2. اورشلیم

اورشلیم شهری ستوده شده و مقدس در عهد عتیق است که مورد ستایش پیامبران بزرگی چون داوود(ع) و سلیمان(ع) است. قداست و ارزش این شهر از جهت برگزیده شدن توسط خداوند و سکونت و جلوس ابدی خداوند در آن ( مزامیر 132:14، ارمیا 31:23، مزامیر 132:14) مذهبی بودن آن، ظهور و سکونت قوم بنی اسرائیل و پیامبران بزرگ در آن ( نحمیا 11:2) و بنای خانه خدا توسط سلیمان نبی(ع) در آن است. در عهد عتیق از این شهر ستایش شده و سرچشمه همه برکات و خوشی ها قوم معرفی شده است. ( همان 87:7)

4. 6. 2. عبادتگاه

در دین یهود عبادت تنها در عبادتگاه مجاز است و عبادت در هر مکانی صحیح نیست.( تثنیه 12:9) عبادتگاه که در ابتدا خیمه عبادت بوده مکان مقدسی است. بنا به عهد عتیق این مکان در ابتدا توسط موسی(ع) برای راز و نیاز با خداوند( خروج 33:7 ) و ملاقات خداوند ساخته شده است و از حضور پرجلال خداوند تقدیس شده است.(؟؟؟ 29:36 ) این مکان در ارتباط با مناسک قربانی نیز قوانین خاصی دارد برای مثال هدیه آردی باید در حیاط قربانگاه خورد شود.( لاویان 6:23 )

اماکن مقدس در دین اسلام

از ﻧﻈﺮ اﺳﻼم ﻣﮑﺎﻧﻬﺎ از ﺣﯿﺚ ارزش و اﺣﺘﺮام ﺑﺎ ﻫﻢ ﻣﺴﺎوی ﻧﯿﺴﺘﻨﺪ، ﺑﺪﯾﻦ ﺟﻬﺖ ﺧﺪاوﻧﺪ در آﯾﺎﺗﯽ از ﻗﺮآن ﮐﺮﯾﻢ ﺑﻪ ﺑﺮﺧﯽ ﻣﮑﺎﻧﻬﺎ ﻗﺴﻢ ﯾﺎد ﻣﯽ ﮐﻨﺪ و ﻗﺴﻢ ﯾﺎد ﮐﺮدن ﺧﺪاوﻧﺪ ﺑﻪ اﯾﻦ ﻣﮑﺎﻧﻬﺎ، ﻧﺸﺎﻧﻪ ارزش واﻻی اﯾﻦ ﻣﮑﺎﻧﻬﺎﺳﺖ و ﻫﻤﭽﻨﯿﻦ از ﺑﺮﺧﯽ مکان ها، در ﻗﺮآن ﮐﺮﯾﻢ ﺑﻪ ﻋﻨﻮان ﻣﻘﺪس و ﻣﺒﺎرك ﯾﺎد ﺷﺪه اﺳﺖ. در ذیل ﻧﻤﻮﻧﻪ ﻫﺎﯾﯽ از ﻣﮑﺎﻧﻬﺎی ﻣﻘﺪس در اﺳﻼم را ﺑﺮ ﻣﯽ ﺷﻤﺎرﯾﻢ.

ﮐﻌﺒﻪ

ﮐﻌﺒﻪ از ﻣﻘﺪسﺗﺮﯾﻦ ﻣﮑﺎﻧﻬﺎ در ﻧﺰد ﻣﺴﻠﻤﺎﻧﺎن ﻣﯽ ﺑﺎﺷﺪ و ﺧﺪاوﻧﺪ آن را ﺧﺎﻧﻪ اﻣﻦ ﺧﻮد ﻗﺮار داده اﺳﺖ و از ﭘﯿﺎﻣﺒﺮان اﻟﻬﯽ اﺑﺮاﻫﯿﻢ و اﺳﻤﺎﻋﯿﻞ ﭘﯿﻤﺎن ﮔﺮﻓﺘﻪ اﺳﺖﮐﻪ آن را ﭘﺎك ﮔﺮداﻧﻨﺪ.(بقره:125 و حج:26) و اوﻟﯿﻦﺧﺎﻧﻪ ای اﺳﺖ ﮐﻪ ﺑﺮای ﻋﺒﺎدت ﺧﺪا ﺑﻨﺎ ﺷﺪه و در آن ﺑﺮﮐﺖ و ﻫﺪاﯾﺖ ﺧﻠﻖ ﻗﺮار داده ﺷﺪه اﺳﺖ.(آل عمران:96) و ﻧﺸﺎﻧﻪ ﻫﺎی رﺑﻮﺑﯿﺖ ﺧﺪاوﻧﺪ در آن ﺑﻪ ﻃﻮر آﺷﮑﺎر ﻧﻤﺎﯾﺎن اﺳﺖ.(همان:97) ﺑﺎ ﺗﻮﺟﻪ ﺑﻪ ﻫﻤﯿﻦ ﻗﺪاﺳﺖ اﺳﺖ ﮐﻪ ﻓﻘﻬﺎی اﺳﻼﻣﯽ آﻟﻮده ﻧﻤﻮدن ﻋﻤﺪی ﮐﻌﺒﻪ را ﻣﺴﺘﻮﺟﺐ ﻣﺠﺎزات اﻋﺪام داﻧﺴﺘﻪ اﻧﺪ.(نجفی،600:1363)

مسجد الاقصی

بیت المقدس یا مسجد الاقصی بعد از کعبه مقدس ترین مکان در دین اسلام است. از آنجا که دین اسلام جامع ترین و آخرین دین الاهی از سوی خداوند است و در ادامه ی دین یهود و مسیحیت از سوی خداوند وارد شده است و همان خدایی که حضرت موسی(ع) را به پیامبری برانگیخت، حضرت محمد مصطفی(ص) را به عنوان آخرین پیامبر و بزرگترین انسان و پیامبر خداوند مبعوث کرد و دین اسلام شامل و در برگیرنده تمام ادیان بر حق پیشین است لذا پیامبرِ خود را در شب معراج از مسجد الحرام به مسجد الاقصی می برد که قرآن کریم که یکی از سوره هایش به افتخار معراج پیامبر اسرا نامیده می فرماید: **(**سُبْحَانَ الَّذِی أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَیلاً مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الأَقْصَى الَّذِی بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِیهُ مِنْ آیاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِیعُ البَصِیرُ)(اسرا:1): «پاك و منزّه است آن (خدایی ) كه بنده اش را از مسجدالحرام تا مسجدالاقصی كه اطرافش را بركت داده ایم شبانه برد، تا از نشانه های خود به او نشان دهیم . همانا او شنوا و بیناست ».

بنا به این آیه مبارکه بیت المقدّس و حوالی آن ، محل ّ نزول بركات آسمانی ، مقّر پیامبران و فرودگاه فرشتگان در تاریخ بوده است و کلمه« باركنا حوله» بیانگر این مسأله است.

در اسلام چهار مسجد از تمام مساجد شریف تر است. در حدیث داریم امام باقر(ع) به أبى حمزه ثمالى در باره فضیلت مساجد چهارگانه یعنى مسجد الحرام و مسجد رسول خدا(ص)و مسجد بیت‏ المقدس‏ و مسجد كوفه رسول خدا (ص) در این‌باره می‌فرماید: «يک نماز در مسجد من، نزد خداوند برابر با ده هزار نماز در ساير مساجد است، مگر مسجد الحرام؛ زيرا نماز در آن برابر با صد هزار نماز است».(شیخ صدوق،1413،ج228،1)

در روایت دیگری داریم: از امیر المؤمنین على(ع)منقولست كه فرمود: «یك نماز در بیت‏ المقدّس‏ برابرست با هزار نماز و یك نماز در مسجد اعظم (مسجد الحرام ظاهرا و با توجّه به سایر اخبار و شاید در مسجد جامع شهر) برابرست با صد هزار نماز، و یك نماز در مسجد قبیله (كه امروز باید مسجد محلّه را بجاى آن دانست) برابرست با بیست و پنج نماز، و یك نماز در مسجد بازار برابرست با دوازده نماز، و نمازى كه شخص در خانه خود میخواند تنها ارزش یك نماز را دارد.»(کلینی،1390،ج526،4)

زمانهای مقدس در یهود

روز سبت

روز سبت را به یاد داشته باش و آن را مقدس بدار در شش روز کار کن ولی در روز هفتم که سبت خداونداست هیچ کاری نکن نه خودت،نه پدرت،نه دخترت،نه غلامت،نه کنیزت،نه مهمانت،نه چهارپایانت(خروج 20:10)

سپس خداوند به موسی فرمود که به بنی اسرائیل بگوید:(روز سبت را که برای شما تعییین کرده ام نگاه دارید زیرا این روز نشانی جاودانی بین من و شما خواهد بود تا بدانند من که خداوند هستم شما را برای خود جدا ساخته ام.سپس در روز سبت استراحت و عبادت کنید چون روز مقدسی است آنکه از این قانون سر پیچی نماید و در این روز کار کند باید کشته شود. درهفته فقط شش روز کار کنید و روز هفتم که روز مقدس خداوند است استراحت نمایید. این قانون عهدی جاودانی است و رعایت آن برای بنی اسرائیل نسل اندر نسل واجب است.خدا به بنی اسرائیل گفت من با شما نمی آیم زیرا قومی سر کش هستید وممکن است شما را در بین راه هلاک کنم.( تثنیه 12:9)

عید روش هشانه

فصل های و بهار و پاییز با برگزاری مراسم روش هشانه [[1]](#footnote-1) (رأس السنه) شروع می‌شود این عید كه اولین سال یهود است مطابق است با روز اول تیشری، كه با دمیدن درشوفار[[2]](#footnote-2) باستانی یا شاخ قوچ آغاز می‌شود،‌ و آن به یاد روز قیامت و دمیدن صوراسرافیل است.(آریانا،144:1379)

در ابتدا این عمل برای دعوت و انتباه قوم بود كه از اطراف دور هم جمع شوند و در كردار و رفتار خویش خالق خود را به یاد آورند و از گناهان خود به درگاه او استغفار كنند. تلمود برای این عید اهمیتی بسیار قایل شده است و آن را به عنوان «روز قضاوت و داوری» نام نهاده است كه در آن پرونده‌های آسمان باز شده و اعمال هر فرد در سال قبل در صفحه اعمال وی ثبت می‌شود و معرفی شده و مقدمه مناسبی برای ایام 10 روزه‌ی توبه و ندامت است.(ناس،567:1383)

2. 2. 12. 2. **عید كیپور**

یهودیان این عید را «عاسور یعنی عاشورا» نیز می‌نامند.آنها از غروب روز قبل تا شبانگاه این روز، از خوردن و آشامیدن، استحمام و كار پرهیز می‌كنند و در كنیسه‌ها به عبادت و استغفار مشغول می‌شوند. در آن روز، یهودیان بنیادگرا لباس ویژه‌ای بر تن می‌كنند و از پوشیدن كفش چرمی خودداری می‌كنند.(توفیقی،94:1381) در باره این عید در عهد عتیق می خوانیم:« در روز دهم ماه هفتم نباید کار کنید بلکه آن روز را در روزه بگذرانید. این قانون باید هم به وسیله قوم اسرائیل هم به وسیله غریبه ها رعایت شود.چون در آن روز مراسم کفاره برای آمرزش گناهان انجام خواهد شد تا قوم در نظر خداوند طاهر باشید. این روز برای شما مقدس است و نباید در آن روز کار کنید بلکه باید در روزه بسر برید. این قوانین را همیشه باید اجرا کنید.»( لاویان 16:15)

عید سایبانها

این عید در قدیم به شكرانه رسیدن میوه‌های پاییزی خیمه‌هایی برپا می‌داشتند و هنگام چیدن انگور و ساختن شراب معتقد می‌نموده‌اند، ولی اكنون آن را به یادبود سرگردانی قوم بنی اسرائیل در بیابان تیه منعقد می‌سازند. در این عید كنیسه‌ها را تزئین می‌كنند و بر در و دیوار گلها و میوه‌هایی آویزان می‌سازنددرباره این عید در عهد عتیق می خوانیم: « روز 15 ماه هفتم عید سایه بانها آغاز می شود و باید تا مدت هفت روز در حضور من جشن گرفته شود.»( لاویان 21:9)

4. 2. 12. 2. عید حنوكا

حنوكا كه عید شمعها و مشعلهاست هشت روز به طول می‌انجامد كه روز اول در كنیسه‌ها و در خانه‌های شخصی یك شمع روشن می كنند و در روز دوم دو شمع و روز سوم سه شمع و بالاخره روز هشتم هشت شمع می‌افروزند، دلیل آن هم این است كه در طی جنگ مكابیون با یونانیان روغن كمی در معبد بود كه یك روزه تمام می‌شد ولی آن روغن به طرز معجزه آسایی هشت روز تمام دوام آورد و به همین دلیل یهودیان این واقعه را با روشن كردن شمعها بمدت هشت روز زنده نگه می‌دارند.( ناس، 1383، ص 568)

5. 2. 12. 2. عید پوریم[[3]](#footnote-3)

عید پوریم (در زبان عبری) یا عید قرعه‌ها مربوط به كتاب استر است كه در اواخر فوریه و اوایل مارس برگزار می‌گردد. و آن به یادگار نجات یهود از عقاب و قتل عامی است كه با فداكاری استر ( در ایران) ختم به خیر شد. و در این روز هدایا و تحف و عیدانه، دوستان به یكدیگر و مهتران كه به كهتران عطا می‌نمایند و روز را به رقص و تغنی و جشن و سرور به پایان می‌رسانند.(همان)

6. 2. 12. 2. عید فِصَح

البته در اصل، آن عید بهاره و به شكرانه زاد و ولد گوسفندان و بار آوردن درختان نیز می‌باشد و مراسم شكرگزاری به نعمت آزادی و خروج قوم از مصر بعمل می‌آمد. این عید در طول تاریخ یهود همیشه رعایت شده و هنوز هم رعایت می‌شود. مراسم این عید بدین صورت است كه به مدت یك هفته نان فطیر مصرف می‌كنند، از این سبب آن را «عید فطیر » نیز می‌نامند، خانه را تمیز می‌كنند و غذاهایی مانند ترب كوهی (كلم) نورسیده، سیب خرد شده با حبوبات و دارچین، ران بره، تخم مرغ سرخ كرده، سبزی ترب، جعفری،‌ نمك، آب و شراب را در ظروف خاص آماده می‌كنند. درباره این عید در عهد عتیق می خوانیم:« اگر کسی عید پسیح را محترم نشمرد و در این هفت روز نان فطیر بخورد باید طرد شود.( خروج 12:17)

چهار فنجان شراب كه دو تا قبل و دو تا بعد از غذاست را می‌نوشند و هر یك از غذاها اشاره‌ای به بخشی از سرگذشت خروج یهودیان از مصر است.(ایزدپناه،74:1382)

در مورد عید پسیح و فطیر و سایه بانها در عهد عتیق آمده است: «خداوند مقررات اعیاد مقدس را توسط موسی به قوم اسرائیل داد و فرمود:«برای برگزاری این اعیاد تمام قوم باید برای عبادت من جمع شوند. این اعیاد مقدس باید جشن گرفته شوند، از این قرارند. عید پسیح و عید نان فطیر، عید نوبر محصولات، عید سایه بانها در غروب روز 14 اولین ماه عید پسیح. از روز 15 تا 7 روز عید فطر هفت روز هدایات سوختنی به من تقدیم نمایید و در روز هفتم از کارهای معمول دست کشیده برای عبادت جمع شوید.( لاویان 17:20)

7. 2. 12. 2. عید شابوعوت

عید فصح به خودی خود كامل نیست بلكه با عید شابوعوت كه بدان عید هفته ها نیز می‌گویند كامل می‌شود. تا 49 روز بعد از عید سدر هیچ گونه جشن و شادی، حتی مراسم عروسی نباید انجام بگیرد، و در روز پنجاهم عید شابوعوت برگزار می‌گردد كه به آن عید پنجاهه نیز گویند و به خاطر رسیدن اولین نوبر حبوب و اثمار بوده، ولی در ادوار بعد آن را به یادبود و شكرانه نزول تورات در كوه طور سینا منعقد می‌سازند. .( ناس، 1383، ص 567).

سال یوبیل

علاوه بر این اعیادی که ذکر شد یک سال مقدس نیز یهودیان دارند که هر پنجاه سال یکبار است و به آن سال یوبیل گفته می شود درباره این سال در عهد عتیق آمده است:« هر پنجاه سال یکبار در روز کفاره که روز دهم از ماه هفتم است در سراسر زمین تان شیپورها را به صدای بلند بنوازید. سال پنجاهم سال مقدسی است و باید آزادی برای تمام ساکنان اعلام شود. سال پنجاهم سال یوبیل است. درآن سال نه بذر بکارید به محصولاتتان را درو کنید، نه انگورتان را جمع کنید،زیرا سال یوبیل برای شما سال مقدسی است. در طول سال یوبیل هرکس باید به ملک اجدادی خود بازگردد. اگر آن را فروخته باشد دوباره از آن او خواهد شد.(پس خریدار قیمت محصول را می دهد و هر چه به سال یوبیل نزدیکتر شود قیمت کمتر می شود.( لاویان 17:28)

زمانهای مقدس در دین اسلام

روز جمعه

یکی از اعیاد هفتگی مسلمانان جمعه است که در این روز افراد موظف به شرکت در نماز جمعه هستند و در قرآن کریم مردم را از تجارت در این روز نهی کرده است(جمعه:9) و باید این روز را به غسل جمعه، عبادت و شرکت در نماز جمعه و نظافت بپردازند.برخلاف یهودیان که معتقدند در روز سبت سوزانده می شوند، شیعیان معتقدند در چنین روزی منجی عالم بشریت ظهور خواهد کرد و جهان را از ظلم و فساد نجات خواهد داد.

2. 13. 2. ماه رمضان و شب های قدر

ماه رمضان نیز یک ماه مبارک و شهر الله اکبر است. به طوری که ثواب قرائت قرآن در این ماه چند برابر است و شبهای قدر که سه شب 19 و 21 و 23 ماه محتمل است که شب قدر باشد، هرشب آن از هزار ماه برتر(قدر:2) است و مردم در این شبها، به مساجد و حسینیه ها می روند و به عبادت خدا و احیا و شب زنده داری می کنند و به دعا و مناجات و توبه به درگاه خداوند می پردارند.

3. 13. 2. عید فطر

مسلمانان در یک ماه از سال قمری که ماه رمضان نام دارد روزه می گیرند و هنگام رؤیت هلال ماه ، عید فطر است که از اعیاد بسیار بزرگ مسلمانان است. این روز اعمال خاصی دارد که یکی از این اعمال شرکت در نماز روز عید فطر است و روزه در این روز حرام است و پرداخت زکات فطره به نیازمندان واجب و و شرط قبولی روزه این ماه مبارک است:« و زكات فطریه‏ براى هر نفرى از كوچك، بزرگ، آزاد و بنده، مرد و زن چهار مدّ كه یك صاع تمام است از گندم، جو، خرما و كشمش واجب است و همه اینها بایستى به اهل ولایت و معرفت داده شود.»(ابن بابویه،1386،ج433،2)

4. 13. 2. عید قربان

روز دهم ذیحجه، پس از انجام مناسک حج، حاجی موظف است که گوسفندی قربانی کند و بعد سربلند از امتحان الاهی و شرکت در حج، در این روز جشن بندگی بگیرد.

5. 13. 2. عید غدیر

در این روز پیامبر اکرم در طی خطبه طولانی که جزء احادیث متواتر است و علامه امینی در کتاب الغدیر 110 سلسله سند برای آن ذکر کرده است،داماد و پسر عموی خود را به جانشینی انتخاب کردند. شیعیان این روز را بسیار بزرگ می دانند و جشن برپا می کنند.

البته روزها و ایام دیگری نیز در اسلام مبارک و مقدس است مانند روز عرفه اما به جهت اختصار به همین چند مورد بسنده می کنیم.

14. 2. افراد مقدس در دین یهود

افراد مقدس در یهود

. 14. 2. پیامبران

هر چند پیامبران بزرگی چون نوح(ع)،ابراهیم(ع)، یعقوب(ع)، یوسف(ع)،موسی(ع)،داوود(ع)، سلیمان(ع) و پیامبران بنی اسرائیل مانند دانیال، ارمیا و... دارای قداست هستند زیرا انبیا خداوند و فرستادگان از جانب خداوند می باشند اما گاهی نیز نسبت های ناروایی به پیامبران خدا در عهد عتیق دیده می شود که ساحت این انبیای مقدس از این نسبت ها مبراست و با قداست و مقام والای آنها تعارض دارد. برای مثال نسبت ناروای مستی و عریان شدن به حضرت نوح(ع)( پیدایش، 9:5) همچنین در مورد حضرت ابراهیم (ع) می نویسد که به خاطر اینکه احتمال می داده که جانش در خطر است به دروغ می گوید که زن او، زنش نیست بلکه خواهر اوست و فرعون زن زیبای او ساره را به ازدواج خود در می آورد بعد که به بلا گرفتار می شود و متوجه می شود که این بلا به این دلیل است که با زن ابراهیم ازدواج کرده، هنوز ابراهیم از ترس جانش حقیقت را به فرعون نگفته و بعد فرعون او را سرزنش می کند که چرا به من دروغ گفتی و مرا در گناهی عظیم انداختی( پیدایش 18:3،همان 7:5) مسلماً چنین اعمالی حتی اگر از سوی یک انسان معمولی نیز صورت بگیرد، بسیار ناپسند است چه برسد به پیامبر بزرگی چون حضرت ابراهیم(ع).

از نسبت های ناروای دیگری که در عهد عتیق به پیامبران بزرگ داده شده نسبت بسیار ناروای شرابخواری و زنا با دختران و تشکیل دو قبیله بنی اسرائیل ناشی از این امر است که به لوط و دختران او داده شده است ( همان 7:3) همچنین نسبت ناروای دروغ به اسحاق که از ترس جانش زوجه اش را خواهر خود معرفی کرد.(همان 7:8) همچنین در عهد عتیق یعقوب با نیرنگ و دروغ با همکاری مادرش اسحاق را فریب داده و برکت را گرفت،عیسو برگشت و گفت آیا برکتی دیگر نداری که به من بدهی و اسحاق گفت نه تو باید بندگی برادرت را بکنی و عیسو حسادت کرده خشم گرفت و خواست که قصد کشتن یعقوب کرد.( همان 38:12) همچنین یهودا پسر یعقوب عروس خود را به این دلیل که چادر پوشیده نمی شناسد و فکر می کند زن بدکاره ای است و به او پیشنهاد عمل منافی عفت می دهد و او را آبستن می کند.( همان)

براساس روایت عهد عتیق، رفتار داود به عنوان یك پادشاه با عموم پادشاهان معاصر تفاوت بسیاری داشت؛ اما باز هم به عنوان یك پادشاه برگزیده الاهی و نه پیامبر، گناهان و كارهای ناشایستی از وی سر زد. وی پیروی كاملی از یهُوَه (خدا) نكرد. دروغ گفتن، غارتگری، رقص و پای‌كوبی و خود را به دیوانگی زدن از این قبیل است. .( همان، اول سموئیل 25: 39 ـ 44؛ دوم سموئیل 3: 2 ـ 5 و5: 13 و12: 26 ـ 27وهاكس،370:1377) وی همچنین زنان وكنیزان زیادی را به نكاح خود درآورد از جمله در پی شیفتگی نسبت به زن یكی از سربازان خود، به نام «اُورِیا»، با وی درآمیخت و باردارش كرد. آنگاه با زمینه‌سازی، موجبات كشته شدن «اوریا» را در جنگ فراهم ساخته و همسرش را تصاحب نمود.( دوم سموئیل 12: 9 ـ 18 و 13: 1 ـ 38.)

همچنان که می دانیم این نسبت ها به پیامبران بزرگ خدا با تقدس و مقام والای این بزرگواران سازگار نیست و در دین اسلام هیچکدام از این نسبت های ناروا پذیرفته نیست و بالاترین ستایش ها نسبت به پامبران بزرگی مانند نوح و ابراهیم و... بیان شده است. حضرت نوح و ابراهیم برگزیدگان بر جهانیان معرفی شده و در قرآن کریم مورد سلام و برکت خداوند دانسته شده اند.(آل‏ عمران : ۳۳ ، النساء : ۱۶۳، هود : ۴۸، الصافات : ۷۹) و نسبت این اوصاف ناروا به پیامبران الهی، اهانت به مقدسات محسوب می گردد وبلا شک محکوم است؛ برای مثال در مورد نقل این داستان و داستان های مشابه درباره حضرت داوود[[4]](#footnote-4) (ع)، امام علی(ع) فرمود: اگر كسی داستانی را كه قصّاصان (قصه‌گویان) درباره داود(ع) می‌گویند نقل كند، 160 تازیانه بر او می‌زنم.(زمخشری،بی تا:366؛طبرسی،355:1406 و قرطبی، بی تا:119) هرچند در روایت نخست نسبت زنا به حضرت داود(ع) داده نشده است، ولی از سخن امام علی(ع) برمی‌آید كه قصاصان معاصر حضرت نیز همانند روایت توراتی داستان، نسبت ناروای زنا به حضرت داود(ع) می‌داده‌اند. بر این اساس امام(ع) ناقلان این حكایت را مستوجب دو حد می‌داند: حدّی برای نسبت دادن زنا به یك مؤمن و دیگری برای هتك حرمت پیامبر خدا.(زمخشری،بی تا،ج366،3و طبرسی،355:1406)

در حالی که اصل ماجرا در روایتی از امام رضا(ع) اصل داستان و شکل صحیح آن بدین صورت بیان شده است: امام رضا(ع) در پاسخ ابن جهم كه درباره اصل داستان همسر اوریا پرسید، فرمود: «در زمان داود(ع) اگر مردی می‌مرد یا كشته می‌شد، زن وی باید برای همیشه بدون شوهر می‌ماند؛ اما خداوند خواست كه این سنت غلط برچیده شود و داود(ع) نخستین كسی بود كه موظف شد بر خلاف آن عمل كند. بر این اساس هنگامی كه اوریا به صورت طبیعی در جنگ كشته شد، حضرت داود(ع) به فرمان الاهی موظف شد با زن او ازدواج كند. از آنجاكه پذیرش چنین كاری برای مردم دشوار بود، زمینه برای این حرف و حدیث‌ها فراهم شد.»(صدوق،152:1355؛عطاردی،94:1406 وعروسی حویزی،446:1373)

مسلماً ساحت پیامبران الاهی از این نسبت های ناروا به دور است و این نسبت ها توهین و اهانت به ساخت مقدس این بزرگواران است که در دین یهود متأسفانه وجود دارد و در کتاب مقدس آنها ذکر شده است.

2. 14. 2. کاهنان

از افراد مقدس در دین یهود، کاهنان یا متولیان امور دینی هستند. کاهنان طی مراسمی تقدیس   
می شوند. لباس های مخصوص می پوشند و با روغن زیتون مقدس مسح می شوند و قواعد و قوانینی خاص دارند برای مثال حق مالکیت ندارند و معمولاً از خاندان هارون یا از قبیله لاویان هستند. در عهد عتیق می خوانیم:«حتی کاهنانی که به من نزدیک می شوندباید خود را تقدیس کنند تا برایشان غضبناک نشوم».( خروج 20:10) و درباره علت تقدیس کاهنان در عهد عتیق می خوانیم:« اینان(کاهنان)باید برای من مقدس باشند و به اسم من بی احترامی کنند انها برای من هدایای خوراکی بر اتش تقدیم می کنند ،پس باید مقدس باشند.»( لاویان 20:12)

کاهنان مراسم تقدیس خاصی دارند. هارون و پسرانش که از اولین کاهنان دین یهود بودند طی مراسم خاصی تقدیس شدند این مراسم به طور مفصل و با ذکر تمام جزئیات در عهد عتیق آمده است.( لاویان 8:5)

3. 14. 2. بنی اسرائیل قوم خاص و مقدس

یکی از مقدسات در دین یهود، مؤمنان به این دین، یعنی قوم بنی اسرائیل(پسران یعقوب(ع)) هستند. البته این مطلب در دین اسلام نیز وجود دارد که بنی اسرائیل در صورتی که گناه نکنند و به عهد خود با خدا عمل کنند قوم برگزیده هستند: «ای فرزندان اسرائیل، نعمتی که من بر شما ارزانی کردم یاد کنید و من شما را به جهانیان برتری دادم.»( بقره:47)

اما به چه دلیل قوم بنی اسرائیل برگزیده شده است؟ مسلماً هیچ قوم و ملتی نسبت خویشاوندی با خداوند متعال ندارد و حتماً دلیل خاصی در برگزیدن بنی اسرائیل نسبت به مردم زمانش دارد. از نگاه نگارنده هرکس عهد عتیق را مطالعه کند پاسخ این پرسش را در می یابد. در زمان حضرت موسی(ع) همه قوم های دیگر بت پرست هستند در توصیف های عهد عتیق از اقوام دیگر می توان به خوبی این حقیقت را دریافت و تنها قوم خداپرست در آن زمان، بنی اسرائیل هستند بنابراین طبیعی است که قوم برگزیده خدا باشند. در عهد عتیق نیز می توان شواهدی بر تأیید این دیدگاه یافت. برای مثال در عهد عتیق می خوانیم:« او شریعت و احکام خود را به قوم اسرائیل داده است. این کار را تنها در مورد اسرائیل انجام داده است، نه قوم دیگری! لذا قوم های دیگر با شریعت او آشنا نیستند.»( امثال 15:12)

همچنین در عهد عتیق می بینیم که برگزیده بودن قوم بنی اسرائیل مشروط به اطاعت از خداست و پایبندی به عهد الهی است و گام برداشتن در راه خداست( خروج 20:4 و تثنیه 28:10)

اما در اینجا این پرسش مطرح می شود که آیا بنی اسرائیل به عهد خود وفا کردند و توانستند قوم برگزیده باقی بمانند؟بنا به مطالبی که در عهد عتیق آمده است، بنی اسرائیل بارها و بارها به بت پرستی و گناه و سرکشی پرداختند و خشم خداوند متعال را برانگیختند. در عهد عتیق می خوانیم:«قوم اسرائیل بار دیگر نسبت به خدا گناه ورزیدند، بنابراین خداوند ایشان را به مدت 40 سال به دست فلسطینی ها گرفتار نمود.»( داوران 13:1)

**افراد مقدس در دین اسلام**

**پیامبران و پیشوایان دین**

تمام پیامبران مخصوصاً پیامبر خاتم حضرت محمد(ص) در دین اسلام دارای قداست هستند و ایمان و پیروی از تمام پیامبران و کتاب های آسمانی لازم است و میان هیچ کدام از پیامبران تفاوتی نیست.(بقره:285) اما در دین اسلام مخصوصا مذهب تشیع ساحت پیامبران و ائمه از هر گونه گناه و خطا معصوم و مصون هستند. در اینکه پیامبران از زمان تولد یا زمان بلوغ یا زمان بعثت به ملکه عصمت نایل آمده اند بین مذاهب اسلامی اختلافاتی دیده می شود اما همه مذاهب در لزوم عصمت پیامبر اتفاق نظر دارند و اشتباهاتی که به پیامبران نسبت داده می شود، به ترک اولی تعبیر می شود به این معنا که آن کاری که بهتر است توسط پیامبر ترک شده است و نهی پرودگار از آن عمل نهی ارشادی بوده اما به هر حال نسبت دادن گناهان کبیره و بزرگی که در دین یهود به پیامبران نسبت داده می شود، به هیچ عنوان در اسلام پذیرفته نیست.

**اشیاء مقدس در اسلام**

**قرآن کریم**

قرآن کریم کتاب آسمانی مسلمانان که در مدت 23 سال از سوی خداوند بر پیامبر اسلام(ص) نازل گردیده است. تمام کلمات و حروف این کتاب آسمانی وحی الهی از سوی پروردگار است و تا روز قیامت غیر قابل تغییر است.این کتاب مقدس معجزه می باشد و بنا به آیات آن هیچ کس قادر به آوردن حتی آیه ای همانند آن نیست.

**16. 2. اعداد مقدس**

تقریبا در تمام ادیان از جمله دین یهود و اسلام دو عدد هفت و چهل اعداد مقدسی هستند. در دین یهود بارها این دو عدد تکرار شده است. برای مثال برای تقدیس با روغن مسح باید آن را هفت مرتبه بر قربانگاه و لوام آن پاشید. ( داوران،7:20)و (لاویان 7:20).

مراسم تقدیس هفت روز طول می کشد:«هفت روز از در خیمه عبادت بیرون نروید تا روزهای مقدس تان سپری شود. زیرا مراسم تقدیس شما هفت روز طول می کشد.»( لاویان 7:20)،ساختن قدس اقداس 7 سال طول کشید.( اول پادشاهان 6:20)،مدت طهارت یک زن پس از زایمان پسر هفت روز و پس از زایمان دختر دو هفت روز است ( لاویان 15:4).

حتی دوره درمان و معاینه افراد مشکوک به جذام در دوره زمانی هفت روزه است.( همان 19:9)و تعداد بارهایی که خون قربانی را روی شخصی جذامی می پاشند تا طاهر شود، هفت بار است.( همان 9:20)حیوانِ تازه متولد شده ای که قرار است قربانی شود، تا هفت روز باید نزد مادرش بماند و از روز هشتم به بعد می توان آن را قربانی کرد».( همان)

تعداد روزهای جشن در عید سایبانها هفت روز است.( لاویان 22:10) و باید در هر هفت روز عید هدیه ای بر آتش به من تقدیم نمایید.( همان)در یهود باید هر هفت سال یکبار زمین استراحت کند و کشت نشود.( لاویان 24:26)در هنگام جنگ و.. که صندوق عهد را حمل می کردند و به واسطه آن یهودیان روحیه می گرفتند تعداد افرادی که جلو صندوق شیپور می زدند، هفت نفر بود.( یوشع 5:15)حتی تعداد سالهای مجازات و عقوبت بنی اسرائیل هفت سال است.(داوران 19:37)

17. 2. اعداد مقدس در اسلام

در دین اسلام هفت موضع در هنگام سجده بر زمین قرار می گیرد. تعداد آسمانها و زمین هفت تاست. تعداد اعمال مناسک حج هفت تاست که عبارت است از : 1- احرام 2- طواف 3- سعی 4- عرفات 5- منی 6- رمی 7- ذبح(طالقانی،200:1358) سعی بین صفا و مروه هفت تا است و تعداد بسیاری از اذکار باید هفت بار تکرار شود. برای مثال از امام جعفر صادق علیه السلام روایت است كه فرمود: «چون در بامداد و شام نماز را به جا آورى، هفت‏ مرتبه‏ بگو: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِی الْعَظِیمِ)(اردکانی،417:1388)

همچنین روایت شده كه كشتى نوح علیه السّلام هفت‏ مرتبه‏ بدور خانه كعبه طواف كرد و سعى بین صفا و مروه را نیز انجام داد سپس در روز هفتم بر فوق جودى قرار گرفت و جودى فرات كوفه است یعنى همان موضعى كه كشتى نوح در آن ساخته شد و شروع بحركت كرد. بدین لحاظ است كه طواف بدور كعبه سنّت شد. جهت اینكه طوفان را طوفان گفتند این بود كه آب از بالاى هر چیزى بقدر چهل ذراع بالا گرفت و آب زمین فرو رفت و آب آسمان باقى ماند و دریائى شد در اطراف دنیا و آب دریا باقى‏مانده آن آبست كه آب غضب و سخط بود، و نوح علیه السّلام با افرادى كه با او بودند و عده آنها هشت نفر بود از كشتى خارج شدند.(مسعودی،34:1362)

پس جبرئیل با ایشان هفت‏ مرتبه‏ بر دور كعبه گردیدند و در مقام ابراهیم دو ركعت نماز كرد و ایشان كردند، و جبرئیل جمیع مناسك و افعال حج را با ایشان به جا آورد و تعلیم ایشان كرد.(مجلسی،175:1426)

خوب است تراشیدن موی سر فرزند و صدقه دادن به طلا یا نقره، به وزن آن موها و عقیقه نمودن در روز هفتم هم زمان، انجام شود.(کلینی،33:1429)

مجازات اهانت به مقدسات در یهود

علاوه بر عقوبت های الهی شدیدی که در انتظار اهانت کنندگان به مقدسات است که این عقوبت ها در عهد عتیق شامل مرگ(خروج 30:20 ، لاویان 16:13، اعداد 15:30 ، اعداد 18:4 ، اعداد 18:32 ، اول سموئیل 6:19 ،دوم پاشاهان 9:6، دوم پادشاهان 19:4، دوم پادشاهان 19:11، نحمیا 11:15 و دوم تواریخ 36:16)،کشتن فرزندان شان به دست خودشان(حزقیال 20:19) از بین رفتن رهبرانشان(یوشع 9:10)،آوارگی، اسارت، خواری(دوم تواریخ 15:7، مزامیر 107:12 ، یوشع 10:12، ملاکی 1:5) قحطی و گرسنگی(دوم تواریخ 36:21، اشعیا 8:20)می گردد شدیدترین مجازات های بشری و دنیوی نیز برای اهانت کنندگان به مقدسات در دین یهود در نظر گرفته شده است. مجازات هایی که در ادامه به پاره ای از آنها اشاره می شود:

اعدام

در کتاب مقدس، سه شیوه اعدام برای اهانت کنندگان به مقدسات بیان شده است: سنگسار، سوزاندن، به دار آویختن.

سنگسار

همچنان که گذشت خداوند از مقدس ترین مقدسات یهود است لذا هر نوع بی حرمتی نسبت به ساحت مقدسش مستوجب سخت ترین عقوبت ها از جمله سنگسار است. در عهد عتیق  
 مجازات قربانی کردن در مقابل بت و بی حرمت کردن نام پروردگار(لاویان 19:3)،مجازات کفر گویی(همان، 24: 16) و بـت پرستی(تـثنیه 13:9ـ10؛ 17:5) نیز سنگسار ذکر شده است.( تثنیه 17:4)

نباید نسبت های خویشاوندی مانع از اجرای حکم سنگسار در مورد کافران شود و هیچ گونه رحمی در این مورد مجاز نیست. (تثنیه 12:31)تأکید بر این حکم به حدی است که حتی شامل غیر بنی اسرائیل نیز می شود:به قوم اسراییل بگو هر کس به خدای خود کفر بگوید باید سزایش را ببیند و بمیرد(سنگسار شود.)این قانون هم شامل اسرائیلی ها می شود و هم شامل غریبه ها.( لاویان 24:15)

همچنین در عهد عتیق مجازات کسانی که حرمت روز سبت را نگه نداشته و در این روز کار کرده اند این است که باید سنگسار شوند.( تثنیه 13:15)

سوزاندن

اگر دختر کاهنی فاحشه شود به تقدس پدرش لطمه می زند و باید زنده زنده سوزانده شود.(لاویان 21:9)

**گردن زدن**

از حیث شدت، سومین شیوه مجازات اعـدامْ گـردن زدن بـا شمشیر است.(سلیمانی،288:1384) این شیوه مجازات در مورد بت پرستان اعمال می شود زیرا با عملشان به مقدس ترین مقدسات که وجود خداوند است اهانت کرده اند.در عهد عتیق می خوانیم: ساکنان شهری که به بت پرستی گرویده اند؛ در این مورد تـورات تـصریح دارد که: «ساکنان آن شهر را به دم شمشیر بکش»(تثنیه،15:13)

**زندانی شدن**

؟؟؟یکی دیگر از مجازات هایی که برای اهانت کنندگان به مقدسات در عهد عتیق تعیین شده است، حبس است.در سفر اعداد نیز در همین زمینه آمده است که:« هنگامی که بنی اسرائیل در بیابان بودند، کسی را یافتند که در روز سبت هیزم بر می چید» «و کسانی که او را یافتند که هیزم بر می چید او را نزد موسی و هارون و تمامی جماعت آوردند». «و او را محبوس نمودند زیرا که دربارۀ وی چگونه باید رفتار شود، بیان نشده بود». ؟؟؟

**طرد**

از دیگر مجازات هایی که برای قوم یهود در عهد عتیق وضع شده است، طرد اهانت کننده به مقدسات است.در عهد عتیق کسی که به نام خداوند بی احترامی کرده و سوگند دروغ بخورد باید از میان قوم طرد شود: از نام من که خداوند، خدای تو هستم سوء استفاده نکن. اگر نام مرا با بی احترامی به زبان بیاوری یا به آن قسم بخوری تو را مجازات می کنم.( خروج 20:4)

همچنین اگر کسی اعیاد بنی اسرائیل را محترم نشمرد باید طرد شود: اگر کسی عید پسیح را محترم نشمرد و در این هفت روز نان فطیر بخورد باید طرد شود.( خروج 12:15)

سخت گیری این دین به حدی است که در مورد احکام جزیی مانند خوردن خون(هر نوعی خونی اعم از پرنده و حیوان و..) نیز این مجازات در نظر گرفته شده است.( لاویان 8:7،لاویان 18:14)

همچنین کوچکترین سهل انگاری در احکام قربانی موجب طرد مرتکب آن از میان قوم می شود زیرا به معنای بی احترامی به مقدسات است:«هر که طاهر نباشد و گوشت قربانی سلامتی را بخورد باید از میان قوم خدا طرد شود زیرا این قربانی مقدس است. هر کس به چیزی نجس دست بزند، خواه نجاست انسان باشد، خواه حیوان نجس یا هر چیز دیگر و بعد از گوشت قربانی سلامتی بخورد، باید از میان قوم خدا طرد شود، زیرا این قربانی مقدس است.( لاویان:8:5) همچنین از آنجا که در دین یهود قربانی باید در خیمه عبادت ذبح شود ،هر اسرائیلی که گاو یا گوسفند یا بزی را در جایی دیگر غیر از خیمه عبادت برای خداوند ذبح کند، خون ریخته و مجرم است و باید از میان قوم خدا طرد شود.( لاویان 17:4) همچنین هر چه از قربانی تا روز سوم باقی مانده، بسوزانید. زیرا شرعاً نجس است و اگر کسی در روز سوم از آن بخورید مقصرید، چون به قدوسیت خداوند بی احترامی کرده اید و باید از میان قوم طرد شوید.( لاویان 2:4)

حتی در مورد اموری مانند بخور مقدس و روغن مسح مقدس نیز استفاده به غیر از شیوه مورد نظر دین یهود مستوجب طرد مرتکب آن است:اگر کسی از روغن مسح مقدس درست کند یا اگر بر شخصی که کاهن نیست بمالد از میان قوم بنی اسرائیل طرد خواهد شد.( خروج 30:33)

**مجازات اهانت کنندگان به مقدسات در اسلام**

اهانت به مقدسات در دین اسلام نیز شدیداً محکوم شده است به طوری که در قرآن کریم آیه صریح داریم که حتی به مقدسات دیگران حتی مقدسات بت پرستان توهین نکنید تا آنها در پاسخ به مقدسات شما توهین کنند.(انعام:108)

طبق روایاتی که از معصومین (ع) به ما رسیده اگر مقدس را به چیزی تعریف کنیم که دارای حرمت است و توهین به آن روا نیست؛ می توان گفت دایره مقدسات در دین اسلام بسیار گسترده است و انسان و تمام کائنات را در بر می گیرد. در آیه صریح قرآن داریم:«ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم.»(اسرا:70) طبق این آیه تمام افراد بشر دارای کرامت هستند و هیچگونه توهینی به آنها مجاز نیست؛ همچنین در اسلام حتی توهین و دشنام به دشمنان نیز نهی شده است. امام علی(ع)شنید که گروهی از یارانش به شامیان ناسزا می گویند، فرمود: من خوش ندارم که شما ناسزا گو باشید بلکه اگر اعمال و رفتار و موقعیت آنها را خاطر نشان کنید، مؤثر تر و در بیان عذر و حجت رساتر و قانع کننده تر باشد. به جای ناسزا گفتن به آنها، بگویید: خدایا! خونهای ما و آنها را حفظ کن.(محمدی ری شهری،2353:1378)

همچنین تمام اجزای طبیعت مأمور خدا هستند و هیچ توهین و ناسزایی به آنها مجاز نیست: پیامبر اکرم(ص) می فرماید:به بادها ناسزا نگویید که آنها مأمورند و کوهها و ساعتها و لحظات و روزها و شبها را ناسزا نگویید که گنهکار می شوید و به خودتان بر می گردد.(همان:2353)

ناسزاگویی در اسلام به طور کلی به شدت نهی شده است به طوریکه طبق روایات خداوند با چنین شخصی دشمن است و او را دوست ندارد،ورود به بهشت برای او حرام است،کم مایه ترین مردم است، از اسلام به دور است،نابخرد ترین نابخردان است، از بدترین بندگان خداست و یا زنا زاده است یا شیطان در نطفه او شریک است.(همان: 4545 و 4533)

از آنجا که در دین مبین اسلام نیز از مقدس ترین مقدسات وجود باری تعالی عزوجل است، هر گونه توهینی به خداوند عواقب بدی را در پی دارد.همانند دین یهود سوگند دروغ به خداوند به شدت نهی شده است. پیامبر اکرم(ص) امت خود را از سوگند خوردن به خداوند حتی سوگند راست در غیر ضرورت نیز به شدت نهی شده است در قرآن کریم می فرماید: خدا را وسیله سوگندهای خود قرار مدهید.(همان:1273) طبق روایات اسلامی سوگند دروغ به خداوند به معنای جنگ با خداست و تبعاتی را در پی دارد مانند محرومیت از رحمت خداوند، در امان نبودن از عذاب الهی،خالی شدن ساکنان خانه های مرتکبین از سکنه، از بین بردن برکت و آبادانی، فقر، از بین رفتن برکت از کار.(همان 1273-1275)

مجازات اهانت کنندگان به مقدسات در دین اسلام به شرح ذیل است:

**اعدام**

در مورد کسانی که به انبیای الهی و مقدسات دینی توهین می کنند در دین اسلام سخت ترین نوع مجازات که عبارت است از کشته شدن حتی بدون محاکمه در نظر گرفته شده است. در حدیثی از رسول اکرم(ص) می خوانیم:هر که یکی از پیامبران را دشنام دهد،او را بکشید، و هر که یکی از اوصیا را دشنام گوید هر آینه به یکی از پیامبران دشنام داده باشد. ؟؟؟

امام صادق(ع) در پاسخ به سوال از حکم کسی که رسول خدا(ص) را ناسزا گوید، فرمود:نزدیکترین فرد به او می تواند پیش از آنکه برای محاکمه نزد امام برده شود، وی را بکشد.(همان:2355)

هر چند بنا به این روایت ناسزا گویان به پیامبر به دست فردی غیر از حاکم هم می تواند کشته شود اما از آنجا که اذن اجرای مجازات به غیر از حاکم اسلامی نوعاً موجب هرج و مرج و بی نظمی است و تشخیص شرایط و قیود این جرم غالباً از عهده افراد عادی خارج است؛ و همچنین به دلیل این که سب النبی از جرایم حدی است و اجرای حدود بر اساس یکی از قواعد مسلّم شیعه از اختیارات حاکم اسلامی است؛ بنابراین بهتر است که بگوییم در عصر حاضر برای اجرای مجازات سب کننده پیامبر(ص) و ائمه معصومین (ع)، اذن حاکم اسلامی لازم است.

فقط کسانی که از روی اجبار و بدون خواست و اراده قلبی برای نجات جانشان مجبور به دشنام به امیرالمؤمنین شده اند، از این قانون استثنا شده اند.حضرت علی(ع) می فرمایند: به زودی به شما دستور خواهد داد تا مرا ناسزا گویید(عیبی ندارد) بگویید؛ زیرا ناسزا گفتن به من موجب تزکیه من و باعث نجات(جان) شماست.(همان،2357)

**جاری شدن مجازات ارتداد**

طبق روایات اسلامی مسخره کنندگان دین و اهانت کنندگان به ارزش های دینی از مصادیق ارتداد است و حکم مرتد در روایتی از امام علی (ع) بدین شرح است:کسی که از اسلام مرتد شده باشد، زنش باید از او جدا شود، از گوشت حیوانی که ذبح کرده نباید مصرف کرد و سه روز مهلت داده می شود که توبه کند، اگر توبه نکرد و به فرمان خدای عزوجل بازنگشت در روز چهارم کشته می شود.(همان:2035)

**تازیانه**

دربرخی روایات آمده است که سب نبی منحصر درپیامبر اسلام نیست و هر کس به هر کدام از پیامبران الاهی توهین نماید مشمول مجازات اسلامی است. حضرت علی(ع)می فرماید:« شخصی را که بگوید حضرت داود با زنی مجامعت کرده است محکوم به صد وشصت ضربه شلاق می کنم حدی برای اسلام وحدی برای نبوت.»(امینی،233:1416)

بر طبق چنین روایاتی فقهای شیعه حکم به اعدام اهانت کنندگان به مقدسات داده اند. محقق حلی می گوید: «اگر کسی به نبی اکرم(ص) ناسزا بگوید شنونده می تواند او را به قتل برساند به شرطی که بر جان و مال خود بیمناک نباشد؛ هم چنین است ناسزا گفتن به یکی از ائمه (ع)» (محقق حلی،58:1409) مگر اینکه توبه کنند یا قابلیت اصلاح داشته باشند.

**نتیجه گیری**

نتیجه ای که از این تحقیق حاصل شد این است که بسیاری از مقدسات در دین اسلام و یهود مشترک هستند زیرا مقدسات در دین اسلام عبارتند از خداوند، پیامبران، ملائکه، ائمه اطهار، خانه کعبه، مساجد، زمانهای خاص و... در دین یهود نیز مقدسات شامل خداوند و خانه خدا، پیامبران، کاهنان ، اشیا و اعداد خاص و زمانهای خاص می باشد؛ لذا شباهت های بسیاری را می توان میان مقدسات اسلام و یهود مشاهده کرد؛ اما برخی از تشبیهات و اصطلاحات در مورد خدا در دین یهود به هیچ عنوان نمی تواند صحیح باشد. برای مثال اینکه بخور را درخانه خدا بسوزان تا خداوند آرامش گیرد، از آنجا پریشانی روحی ناشی از جهل و عجز و نیاز است و این مسائل در ذات خداوند تعالی راه ندارد، آرامش یافتن خداوند بی معناست.

در عهد عتیق احکام توهین به مقدسات خیلی سخگیرانه است و در نظام یهود فقط نسبت به توهین به مقدسات یهود حمایت های حقوقی اعمال می گردد و سایر ادیان الهی پشتیبانی نمی کند. با این حال در تلمود آمده «اگر کسانی که قضاوت به آنها واگذار شده با رحم و شفقت عمل نکنند، رفتارشان به معنای برداشتن گام نخست انهدام است .» شریعت چارچوب ظاهری است که چارچوب های دیگر را در نظر باید داشت.

هم در دین اسلام و هم یهود سخت ترین مجازات ها برای اهانت کننده به مقدسات در نظر گرفته شده است، هر چند در یهود اهانت به مقدسات شامل موارد بسیاری می گردد و مصادیق اهانت به مقدسات بیشتر و سخت گیرانه تر است.

تفاوت دیگری که در موضوع اهانت به مقدسات میان دین اسلام ویهود دیده می شود این است که اسلام اهانت به مقدسات هیچ گروهی حتی بت پرستان که کاملاً بی پایه است را اگر موجب اهانت به مقدسات اسلامی باشد، مجاز نمی داند اما از آنجا که یهودیان خود را نژاد برتر می دانند، بدترین مجازات ها را در مورد اهانت کنندگان به مقدسات خود در نظر می گیرد اما اهانت به مقدسات سایر ادیان را اگر نگوییم مجاز   
می دانند،لااقل باید بگوییم موضعشان در این مسأله سکوت است.

**فهرست منابع**

|  |
| --- |
| 1. آریانا، غلامعلی، (1379)،آشنایی با تاریخ ادیان، تهران: پایا. 2. آشتیانی، جلال الدین ،(1368)،تحقیقی در دین یهود، نشر نگارش، تهران. 3. ابن بابویه، محمد بن علی، (1386)،الخصال،ترجمه ی یعقوب جعفری،تهران: اندیشه هادی. 4. ابن منظور، محمد بن مكرم‏،(بی تا)، لسان العرب‏، سوم‏، بیروت،‏ دار صادر. 5. اسرار توحید، ابن بابویه،(بی تا)، محمد بن على، ،ترجمه التوحید للصدوق، تهران: بی نا. 6. امینى،علامه عبدالحسین،( 1416 ق)، ا‏لغدیر ، قم: مركز الغدیر. 7. اردکانی، علی محمد،(1388)تحفه الأولیا (ترجمه أصول کافی)، ج4 ،ترجمه ی، اردکانی، علی محمد ، قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث. 8. ايزدپناه، مهرداد،(1382)، آشنايي با دين يهود، تهران: محور. 9. بجنوردی، سید محمد حسین،(1377)، قواعد الفقیهه، ج5،قم: الهادی. 10. توفیقی، حسین،(1381)، آشنایی با ادیان بزرگ، تهران، سمت. 11. جعفری لنگرودی، محمدجعفر،(1378)،دوره مبسوط در ترمینولوژی حقوق،تهران:گنج دانش. 12. جوان آراسته،حسین،(1380)، درسنامه علوم قرآنی سطح 2، انتشارات دفتر علوم قرآنی، قم. 13. حرعاملی، محمد بن حسین،(1377)، وسائل الشیعه،ج 13،قم: اسلامیه. 14. دهخدا، علی اکبر، (1389)،لغت نامه دهخدا،تهران: انتشارات دانشگاه تهران. 15. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد،(1383)، مفردات، زنجان:مهدیس. 16. زبیدی، مرتضی ،(1385ق)، تاج العروس من جواهرالقاموس، ج2و4، بیروت: دارالهدایه. 17. زراعت، عباس،(1382)، شرح قانون مجازات اسلامی، ج 2، تهران، ققنوس. 18. زمخشری،محمد بن عمر، (1341ق)،اساس البلاغه، قاهره: دارالکتب المصریه. 19. ..............................................،(بی تا)، الکشاف، ج3،ترجمه ی مسعود انصاری،تهران:ققنوس. 20. سلیمانی، حسین،(1384)،عدالت کیفری در آیین یهود(مجموعه مقالات)، تهران :مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب. 21. سید رضی، نهج البلاغه، (1380)،ترجمه ی محمد دشتی،قم: موسسه انتشارات مشهور. 22. شحاته، عبدالله محمود،(1423ق)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج 3، بیروت، موسسه التاریخ العربی. 23. شرتونی لبنانی،سعید خوری،(1403 ق)، اقرب الموارد فی فصح العربیه و الشوارد،قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی. 24. شعرانی تهرانی، ابوالحسن، (1403ق)، دائره المعارف اصطلاحات قرآن،ج 1، قم، انتشارات ائمه. 25. صدوق، محمدبن علی، (1388)،من لا یحضره الفقیه، ترجمه ی علی اکبر غفاری، ج 1، قم: دارالکتب الاسلامیه. 26. صدوق، محمدبن علی،(1355)، الامالی، تهران، اسلامیه. 27. طالقانی، محمود،(1358)، بسوی خدا می رویم با حج، بی نا، بی جا .. 28. طباطبایی، سید محمدحسین،(1349)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج2، تهران، محمدی. 29. طبرسی، فضل بن حسن،(1406ق)، مجمع البیان، ج8، بیروت: دارالمعرفه. 30. عروسی حویزی، ابن جمعه،(1373)، تفسیرنورالثقلین،ج 4، به كوشش رسولی محلاتی، قم:اسماعیلیان. 31. عطاردی، عزیزالله،(1406ق)،مسند الامام الرضا(ع)، ج2 ،مشهد: كنگره بین المللی امام رضا(ع). 32. عمید، حسن،(1359)، فرهنگ فارسی، تهران: امیر کبیر. 33. فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب،(1426ق)، قاموس المحیط، ج2، بیروت، موسسه الرساله. 34. قرائتی، محسن، (1381)،تفسیر نور(سوره اسرا) ، قم:موسسه فرهنگی اطلاعاتی تبیان. 35. القرطبی، ابوعبد الله محمد بن أحمد،(بی تا)، الجامع لأحكام القرآن ( تفسیر القرطبی )، تصحیح: أحمد عبد العلیم البردونی، بیروت، دار إحیاء التراث العربی. 36. قمی، علی ابن ابراهیم،(1411ق)، تفسیر القمی، ج 2، لبنان: دارالسرور. 37. کمیجانی، داود، (1386)،خداوند در کتب مقدس، تهران: انتشارات بین المللی الهدی. 38. كلینى، محمد بن یعقوب بن اسحاق‏،(1429ق)، الکافی، قم: دارالحدیث. 39. مجلسی، محمد تقي،(1426ق)،لوامع صاحبقرانى مشهور به شرح فقیه،ج 7، تهران:شريعت. 40. محقق حلی،ابوالقاسم جعفر بن حسن،(1409 ق)، شرایع الاسلام، ج 8، لبنان:چاپ بیروت. 41. محمدی ری شهری،محمد و مسعودی،عبدالهادی،(1391)، حج و عمره در قرآن و حدیث، ترجمه ی جواد محدثی،قم:دارالحدیث. 42. محمدی ری شهری،محمد،(1378)،میزان الحکمه،ترجمه ی حمیدرضا شیخی،قم:دار الحدیث. 43. مسعودی، علی بن حسین،(1362)، اثبات الوصیه لعلی ابن ابی طالب، ترجمه ی محمدجواد نجفی تهران:انتشارات اسلامیه. 44. معین، محمد،(1377)، فرهنگ فارسی معین،ج 2 و 4،تهران:فرهنگ نما. 45. ناس، جان، (1383)،تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حكمت، تهران، علمی و فرهنگی. 46. ﻧﺠﻔﯽ، ﻣﺤﻤﺪﺣﺴﻦ،(1363)، ﺟﻮاﻫﺮاﻟﮑﻼم ﻓﯽ ﺷﺮح ﺷﺮاﺋﻊ اﻻﺳﻼم،ج41، ﺗﻬﺮان: داراﻟﮑﺘﺐ اﻻﺳﻼﻣﯿﻪ. 47. هاكس،جیمز،(1377)، قاموس كتاب مقدس، تهران: اساطیر، 1377. |

1. - rosh hashnah [↑](#footnote-ref-1)
2. - shofar [↑](#footnote-ref-2)
3. - purim [↑](#footnote-ref-3)
4. [↑](#footnote-ref-4)